

## از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید

جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای  
اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور

ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی

گسترده تر و مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی

جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل

و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت

حکومت اسلامی در ایران

- جزئیات پرداخت مقرری بیکاری؛ پرداخت سلیقه‌ای و جاهت قانونی ندارد

- گزارشی از آوارگی اهالی 6 محله تهران بر اثر حمله های هوایی؛ روایت آدم‌هایی که جنگ همه چیز  
آنها را گرفته

- جان باختن یک کارگر جوان در مشهد بر اثر گیر کردن در دستگاه برش کارتن

\*\*\*\*\*

\*جزئیات پرداخت مقرری بیکاری؛ پرداخت سلیقه‌ای و جاهت قانونی ندارد

در روزهای اخیر گزارش‌های متعددی از سوی متقاضیان بیمه بیکاری منتشر شده که نشان‌دهنده  
برخوردهای سلیقه‌ای در شعب سازمان تأمین اجتماعی است. مراجعان می‌گویند برخی از شعب با  
توجیه «عدم توان مالی صندوق»، از پرداخت مقرری قانونی (معادل 55 درصد حقوق) امتناع کرده  
و مبالغ کمتری را به حساب بیکارشدگان واریز می‌کنند. این در حالی است که قانون بیمه بیکاری،  
تکالیف مشخصی را برای این سازمان و حقوق صریحی را برای کارگران در نظر گرفته است.

آرمین خوشوقتی، کارشناس حقوق کار، بر استقلال مالی صندوق بیمه بیکاری تأکید کرد. وی ضمن  
تشریح فرمول قانونی محاسبه مقرری، نقشه راه پیگیری قضایی برای کارگرانی که حقوقشان تضییع  
شده را تشریح کرد.

اوبا نقد رویه‌های غیرقانونی احتمالی در برخی شعب یادآور شد: فارغ از ادعاهای مطرح شده در شعب، طبق ماده 10 قانون بیمه بیکاری، سازمان تأمین اجتماعی موظف به تفکیک کامل حساب‌های درآمدی و هزینه‌های این صندوق است. در واقع درآمدهای حاصل از حق بیمه بیکاری باید در حسابی مجزا نگهداری شده و به هیچ عنوان نباید با سایر هزینه‌ها یا کسری‌های سازمان مخلوط شود.

وی با تأکید بر تکالیف حمایتی سازمان در قبال نیروهای کار تصریح کرد: شرط بهره‌مندی از این حمایت، داشتن حداقل 6 ماه سابقه بیمه و بیکاری غیرارادی است. طبق ماده 7 قانون، سازمان نمی‌تواند به بهانه شرایط اقتصادی، از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کند.

### فرمول دقیق محاسبه مقرری؛ از کف تا سقف

این کارشناس حقوق کار در تبیین نحوه محاسبه مبالغ پرداختی تشریح کرد: مبنای قانونی برای پرداخت مقرری، 55 درصد متوسط مزد یا حقوق روزانه کارگر در 90 روز آخرین اشتغال اوست. برای افراد متأهل یا کسانی که تکفل افرادی را بر عهده دارند، به ازای هر تحت‌تکفل (تا حداکثر 4 نفر)، 10 درصد حداقل دستمزد به رقم پایه افزوده می‌شود.

خوشوقتی با اشاره به مرزهای قانونی این مبالغ خاطر نشان ساخت: قانون‌گذار صراحتاً تعیین کرده که مجموع دریافتی نباید از حداقل دستمزد مصوب سال کمتر و از 80 درصد متوسط حقوق 90 روز آخر فرد بیشتر باشد. بنابراین هرگونه پرداختی خارج از این بازه، عدول از متن صریح قانون محسوب می‌شود.

او همچنین درباره بازه‌های زمانی دریافت این مقرری یادآور شد: مدت زمان پرداخت کاملاً فرموله شده است؛ به عنوان مثال، فرد مجرد با سابقه پرداخت حق بیمه بین 6 ماه تا 2 سال، تنها 6 ماه و فرد متأهل در شرایط مشابه، 12 ماه حق استفاده از این مقرری را دارد.

این کارشناس حقوق کار در پاسخ به این سوال که کارگران در صورت مواجهه با پاسخ‌های سلیقه‌ای چه باید بکنند، راهکار را پیگیری مکتوب دانست و افزود: اولین گام، تنظیم یک نامه اعتراضی مستدل و ثبت آن در دبیرخانه شعبه تأمین اجتماعی است. همزمان، باید رونوشت همین مکاتبه در دبیرخانه اداره کار منطقه نیز ثبت شود تا مستندات پیگیری حفظ گردد.

خوشوقتی در پایان، دیوان عدالت اداری را مرجع نهایی رسیدگی به این دست تخلفات معرفی کرد و گفت: در صورت عدم دریافت پاسخ اقناع‌کننده از سوی سازمان تأمین اجتماعی و اداره کار، کارگران می‌توانند با استناد به مدارک ثبت شده، به دیوان عدالت اداری مراجعه کنند. انتظار می‌رود دستگاه‌های نظارتی اجازه ندهند نص صریح قانون، فدای رویه‌های سلیقه‌ای و داخلی شعب شود.

**\*گزارشی از آوارگی اهالی 6 محله تهران بر اثر حمله های هوایی؛ روایت آدم‌هایی که جنگ همه چیز آنها را گرفته**

مادری روی آوار خانه‌اش به دنبال اسباب‌بازی‌های دختر خردسالش می‌گردد. دختر جوانی اتاقش را نشان می‌دهد که چیزی جز چند ستون سوخته از آن نمانده، عده‌ای مشغول جمع‌کردن آوارها هستند و گروهی ایستاده‌اند به تماشا. روایت آدم‌هایی که جنگ همه چیز آنها را گرفته، کم نیست. در هر محله

از شهر تهران کوچه و خیابانی پیدا می‌شود که زخمی جنگ باشد. جنگ نمای شهر تهران را تغییر داده است. از تخریب خانه‌های قدیمی محله شهر ری تا ساختمان‌های مدرن زعفرانیه، هیچ‌کدام در امان نمانده‌اند. خرابی‌های جنگ 12 روزه هنوز سر جای خود باقی بود که ویرانی جنگ جدید هم به آن اضافه شد. رئیس مدیریت بحران شهر تهران از 44 هزار و 750 واحد آسیب‌دیده پایتخت، تنها در 40 روز جنگ گزارش می‌دهد. محلاتی که در این گزارش از آنها روایت شده، نمونه‌های اندکی از خسارت‌های بسیاری است که مردم متحمل آن شده‌اند، با همه اینها، شهروندان در تلاش برای بازگشت به زندگی هستند. آن‌طور که بررسی‌های میدانی از تعدادی از محلات جنگ‌زده نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد از جنوب تا شمال شهر، نوعی «برابری در آسیب» ایجاد شده که پیش‌تر کمتر تجربه شده بود. این موضوع می‌تواند در بلندمدت بر الگوی سکونت، قیمت مسکن و حتی مهاجرت درون‌شهری اثرگذار باشد. وقتی امنیت و ثبات یک محله پیش‌بینی‌پذیر نباشد، احتمالاً تمایل به ماندگاری کاهش می‌یابد و الگوهای جابه‌جایی جمعیتی تغییر می‌کند؛ اتفاقی که در آینده قابل مشاهده است.

«جاجرودی» برای همیشه تمام شد

در خیابان جاجرودی، دیگر چیزی از خانه و آپارتمان‌های چندطبقه باقی نمانده است. از آنها تنها چند اسکلت نایمن مانده که در حال فروریختن است. زن جوانی بعد از چند هفته بر سر خرابی خانه‌اش آمده، در بین خرابی‌ها می‌گردد تا شاید چند اسباب‌بازی دخترش را پیدا کند. با صدای بلند گریه می‌کند و جملاتی زیر لب زمزمه می‌کند که شنونده، فقط خودش است. نوار زرد دور ساختمان‌ها را کنار می‌زند و روی آوارها به جست‌وجو ادامه می‌دهد. بعد از دقایقی، لباس خاک‌گرفته‌ای را از بین آوار بیرون می‌کشد؛ پیراهن سفید زنانه که حالا کمی خاکستری‌رنگ شده: «پیراهنم را پیدا کردم. ای خدا این بهترین لباسم بود». لباس را روی صورتش می‌گیرد و به شیون ادامه می‌دهد، سپس به گشتن وسایل خانه‌اش ادامه می‌دهد: «خدایا کمک کن فقط یکی از عروسک‌های دخترم را سالم پیدا کنم»، اما جز قالی صورتی اتاق دخترش، چیزی پیدا نمی‌کند. خانه‌اش را نشان می‌دهد. اتفاقی از یک ساختمان 20 واحدی که حالا آواری بیش نیست. تمام وسایل خانه‌اش زیر تپه‌های خاک این آوارها مدفون شده است؛ از مبلمان راحتی پذیرایی‌اش تا گونی‌های برنجی که چند هفته قبل خریده بود. نشانی از دارایی‌هایش در این خرابی‌ها پیدا می‌شود، هرچند هیچ‌کدام دیگر قابل استفاده نیست. اینجا چند زن و مرد جوان دیگر هم برای بازدید از خانه‌هایشان آمده‌اند؛ خانه‌هایی که حتی یادبودی از آنها باقی نمانده است. دختری جوان به اتفاقی فروریخته از ساختمانی دیگر اشاره می‌کند؛ ساختمانی 15 واحدی که آن هم نابود شده است. صدایش را بلند می‌کند و می‌گوید: «همه جهیزیه‌ام در خانه بود، همه چیزم نابود شد. فرش و وسایلم را کنار هم چیده بودم و الان همه آنها از بین رفته است». بین این ویرانی‌ها همه چیز پیدا می‌شود. از کتاب و جزوه‌های دانشجویی، تا کامپیوتر و لوازم آشپزخانه و قوطی‌های حبوبات که همه غیرقابل استفاده شده‌اند. در جای دیگر روی آوارها، مدارنگی، کتاب درسی مقطع ابتدایی و دوچرخه‌ای مچاله‌شده، پیداست. صدای گریه و شیون از همه جای این آوارها به گوش می‌رسد؛ از آدم‌هایی که دیگر آشیانه‌ای ندارند تا خانواده‌هایی که عزیزان‌شان زیر تلی از خاک از دست رفتند. یکی از آنها می‌گوید: «آواره شدیم، یک شب خانه مادر بزرگ، یک شب خانه خاله، شبی دیگر خانه دایی. بدبخت شدیم». جنگ خرابی‌های بسیاری در محلات شهر بر جای گذاشته است، اما این کوچه یکی از شدیدترین خسارت‌ها را برای مردم همراه داشته است. حتی چند کوچه دورتر از کوچه جاجرودی هم خانه‌های بسیاری، به دلیل موج انفجار غیرقابل سکونت شده‌اند. داخل کوچه حدود

20 ساختمان که متوسط بین چهار تا هفت طبقه بودند، به طور کامل غیرقابل سکونت شده‌اند که باتوجه به خانه‌های کوچه‌های اطراف می‌توان گفت بیشتر از 300 خانواده بدون خانه شده‌اند. این در حالی است که خانه‌های دیگر هم با آسیب، هرچند جزئی‌تر روبه‌رو هستند.

میدان انقلاب، شبیه قبل نیست

«میدان انقلاب دیگر شبیه قبل نیست»؛ این جمله را زنی که به ساختمان‌های تخریب‌شده نگاه می‌کند، زیر لب می‌گوید و بعد هم مسیرش را از بین دست‌فروشان کتاب ادامه می‌دهد. از ورودی خیابان کارگر جنوبی، تخریب ساختمان‌های شش یا هفت طبقه تجاری مشخص است. دستگاه کپی خاک‌گرفته، میز کار شکسته و کمدهایی پر از پرونده که همه بیرون ریخته شده، نمای برخی از پنجره‌های این خیابان شده است. خیابانی پررفت‌وآمد که پاتوق همیشگی بسیاری بوده، اما با یک انفجار نمای کلی آن دیگر شبیه قبل نیست. حمله موشکی به فرماندهی ستاد پلیس پیشگیری، ساختمان‌های اطراف را هم تخریب کرده است. از دیوار و پنجره‌های تخریب‌شده خانه‌ها و واحدهای تجاری این اطراف مشخص است که بسیاری از آنها غیرقابل سکونت شده‌اند. بیشتر ساختمان‌های کوچه نظری از همان روز حمله، خالی شده‌اند و مشخص است همچنان کسی در آنها رفت‌وآمد ندارد. دورتادور ساختمان فرماندهی گونی آبی کشیده شده و کارگرانی جوان در حال خاکبرداری دیده می‌شوند. اما طرف دیگر خیابان، همه مغازه‌دارهایی هستند که با آسیب جدی به کسب‌وکارشان مواجه شده‌اند. برخی کرکره‌های آسیب‌دیده مغازه را بالا داده‌اند و در حال تعمیر دوباره مغازه خود هستند. یکی داربست زده و در حال سیمان‌کاری دیوار مغازه است و دیگری با کمک چند کارگر در حال نصب در و کرکره‌های جدید است. هرچند به دلیل قدیمی‌بودن بافت بیشتر این ساختمان‌ها، از ظاهرشان پیدا نیست که تخریب‌ها تا چه اندازه به ساکنان آسیب وارد کرده است. با این حال مشخص است که دست‌کم بیش از 50 واحد بعد از انفجار، غیرقابل استفاده شده است.

خسارت پی‌درپی جنگ به محله «گیشا»

از دور کاغذدیواری‌های صورتی اتاقی مشخص است؛ اتاقی بدون دیوار در طبقه پنجم ساختمانی که دیگر برای سکونت ساکنانش امن نیست. خانه بیشتر اهالی کوچه پنجم خیابان بلوچستان در محله گیشا با آسیب جدی مواجه شده است.

از ساختمان مورد حمله که سر کوچه بوده، جز تل خاک چیزی باقی نمانده که کارگرها با کمک ماشین سنگین در حال جمع‌کردنش هستند. ساختمان‌های جلو، عقب و مخصوصا کناری، کامل از بین رفته است. اهالی می‌گویند موج انفجار به حدی بوده که حتی شیشه‌های در و پنجره مغازه‌های خیابان نصر که خیابان پشتی این منطقه است هم تخریب شده‌اند. درستی اظهارات اهالی از خودروهای شخصی انتهای خیابان هم مشخص است؛ انفجار تنها چند لاشه از آنها بر جای گذاشته که حتی مدل آنها هم دیگر قابل تشخیص نیست. با گشتی در این محل، چند مکان تخریب‌شده دیگر هم قابل مشاهده است؛ مثل خانه‌های اطراف کلانتری گیشا در خیابان ناظریان‌قمی که چند هفته قبل مورد حمله قرار گرفت و ساختمان پنج‌طبقه و فروشگاه نان سحر زیر آن در کوچه بیست‌وششم که در جنگ 12روزه از بین رفت و هنوز دیوار و ستون‌های فروریخته‌اش نشان از خسارت سنگین دارد. مکان‌هایی که

نه فقط برای مردم گیشا، بلکه برای بسیاری دیگر، پاتوق نشستن‌های طولانی بوده، اما حالا حفاظ‌ها و داربست‌های فلزی، سرپا نگه‌شان داشته‌اند.

#### 14 ساختمان غیرقابل سکونت در «مطهری»

اثر انفجار، مانند بسیاری از محلات تهران، در خیابان مطهری هم دیده می‌شود. حمله موشکی به پلیس فرماندهی دیپلمات فراجا، ساختمان‌های اطرافش را هم درگیر کرده است. با این حال، پس از چند هفته، همچنان بنای ساختمان‌های خیابان ترکمنستان تا نزدیک خیابان دکتر شریعتی خرابی‌ها را همچون روز اول نشان می‌دهد. بیشتر خانه‌ها، خالی از سکنه شده‌اند؛ پنجره‌های نیمه‌باز و شیشه‌های شکسته، خانه‌هایی بدون روشنایی که رفت‌وآمدی از آنها دیده نمی‌شود. از خانه‌های ویلایی که با گونی آبی دور آن را پوشانده‌اند تا ساختمان پزشکان هفت‌طبقه که چیزی از نمای شیشه‌ای‌اش باقی نمانده، تصویر این منطقه است. حتی کوچه‌های طرف دیگر خیابان هم از این انفجار بی‌نصیب نمانده‌اند. طبق بررسی بیش از 14 ساختمان که متوسط چهار تا هفت طبقه هستند و هر طبقه از آن چند واحد دارد، به شکل جدی دچار آسیب شده‌اند؛ به شکلی که بیشتر آنها غیرقابل سکونت شده‌اند. از طرفی مغازه‌های خیابان ترکمنستان هم تعطیل شده‌اند؛ جز یک کافه و رستوران که دچار تخریب شده‌اند، اما دوباره کارشان را شروع کرده‌اند. از موتورهای پیک کنار خیابان پیداست که موتوری‌های رستوران و کافه هم دوباره به کار بازگشته‌اند. چند کارگر در حال بازسازی مغازه‌های تخریب‌شده هستند. طرف دیگر، جلوی ورودی رستوران عکس کارمندان رستوران دی به چشم می‌خورد؛ «محمد مهدی رسولی»، «آرش خباز»، «علی پسندیده» از کارکنان رستوران و «منظر طریقت‌منفرد» صاحب رستوران، افرادی هستند که روز انفجار جان خود را از دست دادند. رهگذران با بی‌حوصلگی از این پیاده‌راه می‌گذرند و مانند دیگر خیابان‌های تخریب‌شده، لحظه‌ای می‌ایستند، به خانه و ساختمان‌ها نگاه می‌کنند و به راهشان ادامه می‌دهند. هرچند تأمل آنها در مقابل ورودی رستوران بیشتر است. به چهره‌های جوان آنها که تبدیل به عکسی روی میز رستوران شده‌اند، خیره می‌شوند، سری تکان می‌دهند و می‌روند.

#### آوار جنگ در محله تهرانسر

«خدا کند این جنگ تمام شود، چون اگر ادامه داشته باشد، دیگر از محله ما چیزی نمی‌ماند»؛ پیرمرد خانه‌های پنج‌طبقه در یکی از خیابان‌های اصلی خیابان یاس تهرانسر را نشان می‌دهد که انفجار تا شعاع صدمتری آنها را تخریب کرده است. خانه‌های بدون دیوار و پنجره، شبیه به دیگر خانه‌های تخریب‌شده شهر است. اهالی از روزهایی می‌گویند که حمله به فرودگاه مهرآباد و مناطق اطراف این محل، ترس آنها را دوچندان کرده بود و در صورت ادامه‌دار شدن جنگ، حالا برخی در فکر فروش خانه و ترک این محل هستند. یکی دیگر از مناطق مورد حمله، ساختمان تازه‌ساخت کوچه پانزدهم است که حمله به آن، دیگر خانه‌ها را هم تخریب کرده؛ کوچه‌ای پررفت‌وآمد که تماشاچیان زیادی دارد. دور این ساختمان پنج‌طبقه که هدف حمله بوده، حفاظ کشیده شده است؛ ساختمان‌های کناری هم با آسیب جدی روبه‌رو شده‌اند، به‌طوری که ۱۰ واحد مسکونی به شکل کامل خالی از سکنه شده است. از بین خرابی‌ها، اتاق یکی از خانه‌ها مشخص است؛ احتمالاً اتاق دختری خردسال بوده که دیوارش را با عروسک‌های مختلف تزئین کرده بوده. آخرین تصویر از این خانه، خرس سفیدرنگی است که دود انفجار آن را خاکستری کرده است. اهالی ساختمان مقابل با بیل، آجر و خاک‌های به‌جامانده از

تخریب پارکینگ آپارتمان را جمع می‌کنند. زن میانسال توضیح کوتاهی می‌دهد و با عجله به کمک همسایه‌ها می‌رود: «ما تا دیروز شهرستان مانده بودیم، وقتی آمدیم دیدم پنجره‌ها شکسته و خانه را خاک گرفته. همسایه‌ها گفتند خدا را شکر به ستون‌های اصلی آسیب وارد نشده، چون اگر این‌طور شده بود، همه مجبور بودیم خانه‌ها را ترک کنیم. صبح رفتیم کل ساختمان‌های تخریب‌شده تهرانسر را دیدیم. به نظر آدم‌های زیادی بی‌خانه شده‌اند.»

ویترین جنگ در کوچه شلوغ «مجیدیه»

اینجا همیشه ترافیک سنگینی دارد؛ کوچه‌ای که یکی از ورودی‌های اصلی خیابان جانبازان به اثنی‌عشری است. کوچه «اکبری» در محله مجیدیه هم در همان روزهای شروع جنگ مورد حمله موشکی قرار گرفت و ساختمانی هفت‌طبقه در وسط کوچه را هدف قرار داد که همین باعث خرابی شدید دیگر خانه‌ها و حتی خودروهای رهگذر شد. طبق بررسی‌های انجام‌شده، بیش از 15 خانواده بر اثر این انفجار بدون خانه شده‌اند و سایر خانه‌ها هم با آسیب جدی روبه‌رو شده‌اند. پس از چند هفته همچنان پنجره‌های شکسته خانه‌ها رها مانده و حرکت پرده‌های بیرون‌مانده از پنجره‌ها نشان می‌دهد کسی به این ساختمان‌ها رفت‌وآمد نداشته است. هرچند اهالی هم توضیح می‌دهند که برخی از همسایه‌ها هنوز هم جرئت نکرده‌اند به خانه بازگردند و خانه‌هایشان خالی مانده است. مرد جوانی به ساختمان کناری، جایی که هدف حمله بوده است، اشاره می‌کند که تمام دیوارهایش تخریب شده و داخل واحدها مشخص است: «اینجا را ببینید، این خانه نمای بسیار زیبایی داشت. جزء اولین خانه‌های محل بود که با نمای خاص ساخته شده بود. همه دوستش داشتند و حالا به دلیل موج انفجار از بین رفته است. به نظر می‌آید ستون‌های کل ساختمان آسیب دیده و اصلاً قابل سکونت نیست.» از وسط کوچه مشخص است که ساختمان‌های کوچه‌های پشتی هم آسیب دیده‌اند و هنوز کسی برای درست‌کردن در و پنجره‌های قابل تعمیر آن اقدام نکرده است.

شهری با هزاران جای زخم

تهران دیگر شبیه قبل نیست؛ در کوچه‌ها و خیابان‌های هر محله ردی از جنگ دیده می‌شود. از تخریب ورودی شهر ری که نمایی از دوره ساسانی داشت تا ساختمان مجلل زعفرانیه، همه جا رد به‌جامانده از جنگ دیده می‌شود. در هر محله چند کوچه یا خیابان مورد حمله قرار گرفته که همان هم منجر به کشته‌شدن و بی‌خانه‌شدن شمار زیادی از افراد غیرنظامی شده است؛ آدم‌هایی که هیچ سهمی در ایجاد جنگ نداشتند، اما جنگ همه چیزشان را از آنها گرفته است.

بخشی از یک گزارش رسانه‌ای شده بتاريخ 2 اردیبهشت

**\*جان باختن یک کارگر جوان در مشهد بر اثر گیر کردن در دستگاه برش کارتن**

روز پنجشنبه 3 اردیبهشت، یک کارگر 30 ساله حین کار در یک واحد صنعتی واقع در محدوده پیامبر اعظم مشهد بر اثر گیر کردن در دستگاه برش کارتن (دایکات) در دم جان خود را از دست داد.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)